مجموعه

۱- مشق نظام قاجاریه

۲- ترجمه قواعد مدیر کشورگشائی ناپلئون

مصطفی قلی

۱۲۶۸

بسم الله الرحمن الرحیم

قواعد کلیه فرامین بقدر مقدور واضح و مختصر باشد زیرا که حسن نتیجه حرکت بیشتر بطرز فرمایشات است اگر فرمان
بطوری داده شود که آشکار باشد و در کمال وضوح آنچه باید از آن بعمل آید از آن مفهوم شود در آن
حرکت بدرستی حاصل خواهد شد بر خلاف این اگر فرمان واضح نباشد و مبهم باشد بدیهی است
که حرکت بطوریکه باید میسر نخواهد شد پس بجهت آنکه بدرستی مقصودی که از فرامین در حصول نتیجه حرکت
بعمل آید باید فرامین را بدو قسمت نمود که یکی اخطار باشد و دیگری احکام پس از قسمت اول فرامین
نتیجه حرکتی که منظور است معلوم میشود و باید آن را بطور [illegible] تلفظ نمود و از قسمت دوم مراد
تعیین زمانی است که باید حرکت در آن وقت معمول شود و آن را باید در کمال سرعت کوتاهی تلفظ نمود

لاجرم

لاجرم در جمیع حرکات نظامیه که با طبل و شیپور باشد و بخواهند فرمانی دهند فرمانده فوج
باید قبل از فرمان دادن صدای طبل و شیپور را به اشاره شمشیر خاموش نماید پس در این صورت
باید نظر طبال باشی همیشه بر دست فرمانده فوج باشد تا به اشاره شمشیر آن شروع بزدن طبل
و شیپور و خاموش کردن آن نماید همینکه صدای طبل و شیپور خاموش شد آنگاه فرمانده فرامین
را بطوریکه باید مسموع گردد و بهمه فوج برسد

در بیان قاعده اتصال سربازان بیکدیگر از طرف

از آنجا برای اینکه صف ایستادگی بسهولت میسر شود و حرکت بخوبی بعمل آید باید سربازان را در اتصال
بیکدیگر بطوری عادت داد که آرنج هر یک بدون فشار به آرنج دیگری وصل شود و همه فوج
با کوهای دسته [illegible] خط مستقیم ایستاده باشند بدین واسطه صف ایستادگی بدرستی میدهد
در وقت جنگ نهایت لزوم را دارد و این قاعده این است که ابدا تغییر پذیر نیست که باید بلا احساس
دو سرباز جنبین خود را بکنند بطوریکه در حین حرکت باید از یکدیگر منفصل شوند و نه بازشدت
اتصال خود در اینه مشقت اینچه حرکتی اگر بواسطه آزاد و آسوده بودن سرباز دست میدهد
مغشوش و درهم نماید پس حسن نتیجه مشق کلیه حرکات صف ایستادگی بطرز اتصال سربازان است

بلند بگیر لهذا باید کمال دقت را در این باب نمود که سربازان در صف یک جمعیت بیکدیگر
متصل شوند و در میان ملاحظه پا و مرش است که به برابر بودن حرکت لازم است که حرکت سربازان
متفقاً از یک پا باشد لهذا پای چپ را اختیار کرده مقدم داشته اند برابر بودن پای سربازان
کمال ضرورت را دارد تا فاصله صفها و فاصلهها از دست نرود و همه با هم در زمان مسافت
معتنابه را طی نمایند و سرباز باید همیشه آهنگ پا را موافق اندازه هر قدمی که باشد منظور دارد و این
آهنگ و اندازه بواسطه صدای ضرب آلات سازهای نظامیه که عبارت از طبل و شیپور است
معلوم و معمول میشود و باید چنان عادت به آن آهنگ و اندازه نمایند که بدون احتیاج
طبل و شیپور نیز مراعات همان آهنگ و اندازه را بکنند تا نجبه باید در هنگام مرش گاهی نجبه
اشعار آهنگ و اندازه پا از طبل و شیپور و غیره هرچه باشد بزنند و گاهی نزنند مثلاً و قبل
سربازان آهنگ و اندازه قدم را گم کنند تر نزنند و چون درست بروند ترتیب تا سربازان
چنان عادت کنند که زدن و نزدن آن فرقی نداشته باشد سیم قدم آهسته مرش قدم
تعلیم است که نجبه آموختن طرز پا که اینست بار جدید که چگونه باید باشد معمول می دارند و این
قدم را

قدم را در حرکت نباید معمول داشت زیرا که مایه تعطیل و تعویق عمل میشود بلکه باید همیشه قدم زود
مرش را معمول داشت امر مرش امر ضرور و بسیار عمده باید شمرد و خوبی و درستی مرش
لشکر باعث مهابت این و موجب هراس دشمن و مساعدت فتح میگردد زیرا که بواسطه خوبی و درستی
مرش لشکر نظام میگردد و حرکت آن بدرستی حاصل میشود و در این باب مرشال ساینها که مخترع
آهنگ و اندازه قدم در نظام است گفته است که فتح در قدمهای سربازان منحصر است پس باید در
این امر را باید بسیار عمده و ضروری شمرده کمال دقت را در تعلیم آن بعمل آورد و لالا در میدان
مشق بعد از آن در راهها بعد از آن در زمین ناهموار بعد از آن در زمین مزروع بواسطه آهنگ
و اندازه قدم زعم اغتشاش قدم نظام فوج میشود و بواسطه همین تمامی فوج مثل شخص واحد
حرکت مینماید چون قدم جمع کثیر برابر شد ارض از قدم ایشان زمین میلرزد و همین قلوب
دشمنان را پر از بیم و اضطراب مینماید لشکری که بخواهد بر دیگری حمله نماید پس از آنکه
مراعات آهنگ و اندازه پا را نمودند یک مرتبه و در آن وحدت جمیع لحاظ ضعف خود
بضعف دشمن رسیده آلت حرب خود را بکار میبرند و بعضی از اوقات عدم مراعات آهنگ و اندازه

پامعقول بلکه لازم است مثلاً وقتیکه بتعجیل باید از فضای شکلی عبور کرد یا در وقتیکه قبل از دشمن
باید خود را بنقطه مساعد و مهمی رسانید یا وقتیکه بخواهد پیش دستی کرده در حالتیکه دشمن در حرکت است
تشتیوان بسته شروع به تیراندازی کند یا وقتیکه بخواهد غفلتاً از یک پهلوی لشکر دشمن حمله نماید
و امثال اینها در این موارد باید در کمال سرعت و تعجیل حرکت را بعمل آورد و بلکه تعدی می کرد قرب بقدم دویدن
لیکن در کمال دقت که بقدر مقدور مراعات نظام را نموده باشند تا بیکدیگر مخلوط نشوند و شیرازه
حرکت از هم نپاشند در این مقامات جمیع نکات نظام و حرکات را باید ملاحظه کرد و طرز آهنگ
و اندازه قدم و همچنین باید قدمها را سریع تر کنند بطوریکه از یکدیگر عقب نمانند و بیرون از صف
خارج شوند چهارم در بیان ملاحظاتی است که در مشق لشکر میشود جنرال لالیکور که یکی از
معتبرین و دانایان فن نظام عصر و از سرکردگان مشهور فرانسه است چنین میگوید که حرکات و اتفاقاتی را
که در کار بردن و مشق لشکر بیمصرف و خالی از نفع است باید موقوف نمود و از میان برداشت
بلکه در مقام تعلیم مشق لشکر باید دو چیز را ملاحظه نمود و وقت تمام در آن دو چیز نمود اولاً درستی حرکت ثانیاً
سرعت آن حرکت و کار بردن لشکر در بستی و روودی دست دهد در مشق لشکر حرکاتی در حقیقت باید نگاه
بکار

بچه حاصل است بلکه باید نهایت اهتمام و وقت را در مشق تیک پر کردن تفنگ
و یک زدن پیش آن و نیزه پیش نمود زیرا که آن سه چیز جمیع حرکات لشکر بکار خواهد آمد و باید ثابت
اما سایر حرکات نیز لازم است محض برای اینکه در واسطه آن حرکات این سه چیز حاصل شود و به مقصود
از مشق لشکر در حقیقت آن سه چیز است در هر حرکتی که باید لشکر از یک پهلوی دیگر برود باید بقدر مقدور
از نزدیک بدن باشد زیرا که اگر قدری دورتر از بدن ببرند لشکر سر باز صف دوم سر باز صف اول
میخورد و به علاوه تجربه حاصل شده یک حرکت تمام لشکر حرکات متعدده باید بعمل آورد تا آن حرکت
تمام حاصل شود مثلاً چهار حرکت یک حرکت تمام است لیکن به سه حرکت حاصل میشود پس از برای اینکه
حرکت درستی بعمل آید و سربازان عادت به درستی آن کنند باید در تعلیم اول آن حرکت را قسمت نمایند
جزءً جزءً با موزون هر قسمت را جدا جدا بکنند که سربازان خود شمارند مثلاً در قسمت اول
یک و در دوم دو و در سیم سه و همچنین [illegible] سیاق سربازان ملاحظه کنند ملاحظه کرده اول قسمت فرمایند
که در میان هر جزء [illegible] دیگر حرکت باید باشد و نتیجه این عادت این است که چنین کو [illegible] بشمارند و به سیم

و استادان حرکت را بیک فرمان بعمل آورند همه با هم مردی شماره ... حرکتها ... وقت
در فرصه ... دو حرکت برابر بر درستی حاصل میشود مثل ... طریق ...
با دو وقت دو حرکت دیگر بعمل طریق اول آنست که هر جزء از حرکت که ... وقت
بعمل می آید موقوف ... صدای فرمان ده باشد ... حرکت
مرکب از دو ... که دو ... باشد وقت و جزء اول را باید سرباز ... فرمان
بعمل آورند بشماره ... هر یک ... وقت ... بعمل می آید ...
دو بگوید فرمان ده فرمان دو را وقتی باید بدهد که جزء اول را در ... وقت حط
... فرمان دو ... سرباز ... باید ...
حرکت را بعمل آورند طریق ثانی که عبارت ... باشد آنست که هر دو وقت
با دو ... حرکت بیک فرمان ... بعمل آید و سرباز ... خود ...
حرکت ... هر جزء از حرکت باید در ... قوت و سرعت ... بعمل آید
در ...

حرکت اول

در ... حرکت جمیع سرباز ... حرکت ... در ... میگذارد
حرکت اول ... که ... و فرمانده ... خواهد ...
فرمانده اول ... دسته ... گردد ... نفر ... اول هر ... دسته ...
بر ... دسته خود ... دسته خود را که باید ... دلیل دست راست دسته
بجای سر دسته نصف اول ... سرباز دست راست هر دسته از صف اول ... راست
دسته خود ... بازوی چپ ... دلیل دست راست ... حرکت ... نفرهای ...
راست ... حرکت ... یعنی ... اتصال آرنج را از راست ... نظر ... باید ...
... و چهار ... راه ... دو ... سرباز ... چپ ... قدم ...
... حرکت سر دسته ... خود ... که ... دسته ... باشد دسته ...
... سر دسته فرمان ... فرمان دسته ... دلیل چپ ...
... دسته ... چپ دسته آمده ... فرمان ...

حرکت دوم

حرکت دویم چپ قشیلوان به نفران بار دارد خارج شده فرمان لطر پس هر گروه دسته رود
هر دسته چپ گرده سینه خود را بیازوی راست وکیل چپ که حرکت کرده بدهد
و وکیل راست دسته اول منحرفاً خط قشیلوان قسمه فاصله دو دسته گردد
چپ نظام گیرد و جودان فرشه از وکیل راست دسته اول وکیلهای نظام دهد
بطالیان همینکه از نظام خط قشیلوان مطلع شد فرمان مارش دهد به اینفنتری
بچپ گردد بقاعده که در براست گرد گفته شد فرمانده هر دسته باید مراعات
حرکت دسته خود کشد با همینکه وکیل دسته بفاصله قدم به خط قشیلوان رسید
فرمان هالت دهد و دسته را به اسم بخواند هر چه دسته براست دهیشد
بازوی راست خود را بیازوی چپ سرباز آخر دسته پیش از خود کشیده چسبانند
فرمانده دسته اول به نزد وکیل راست دسته اول رفته سینه خود را بیازوی چپ آن
تکیه دهد و نظام از راست دهد بعد از آن فرمانده هر دسته دسته خود را فرمان الطر به

دهد

دهد و فرمانده بطالیان همینکه از صف نظام مطلع شد فرمان نمایند بجای خود دهد
به نفرهای سر دستها پال قدم به پیش و یک قدم به پس تا نمایند بجای خود
همینکه نمایندگان بجای خود رسیدند یک قدم براست و یک قدم بعقب بجای خود

حرکت سیم

قرار گیرد حرکت سیم ستون فرا عقب دسته اول بیاره به اینفنتری دهد
بفاصله دو قدم به پیش روی مرکز دسته خود رود و وکیلهای راست بصف اول
بجای سلطان دهد پس آنگه فرمانده بطالیان از این عمل مطلع شد فرمان براست دهد
باین فرمان همه بطالیان بغیر از دسته اول براست میکنند و سرکردهها قطار
دسته خود رفته نایل اول را میل راست دهند و وکیلهای راست به پیش روی سرباز
صف اول و سر دسته بجانب چپ و وکیل راست رفته خود را
و وکیل چپ سر دسته رفته از عقب وکیل چپ دسته اول تا فاصله قرار گیرد که
چهار قدم باشد و جودان باید تنها در آنجا محاذی آن دهد بعد از آن فرمانده بطالیان

فرمان زود مارش دهد پای فرمان دسته اول حرکت نکنند و دسته دوم قطار از راست رفته

تا به کیسل چپ دسته خود رسد و دوم از دو کیسل گذشته قطار به چپ رود و فرمانده دسته بایستد

پهلوی کیسل چپ بایستد و دسته با خط دسته اول محاذی شود همینکه آخر دسته به کیسل چپ رسید

فرمانده فرمان هالت و فرنت دهد و دسته دوم به عقب رفته فرمان نظام به چپ دهد و همینکه از نظام فارغ

نظر به پیش کهنه به پیش روی مرکز دسته خود رود و دستهای دیگر باید منحرفا رود به کیسل خود و همینکه

سر قطار هر دسته به کیسل چپ خود رسید سر دسته بایستند تا آخر دسته به کیسل چپ رسید بعد از آن فرمان

حرکت چهارم

هالت و فرنت داده بطوریکه نوشته شد عمل نمایند حرکت چهارم مشغول بر دسته اول باید

اچودان دو نماینده از راست و چپ دسته اول قرار دهد و آن نماینده ها باید برابر راست نمایند

و فرمانده دسته اول به دسته اول خبر دهد که بیاید از جای خود حرکت نماید و سایر دستها به نهج خود

خبر دهند که باید به چپ نمود بعد از آن فرمانده بطالیان فرمان چپ دهد و فرمان بطالیان

بغیر از دسته اول به چپ قدم نمایند و فرمانده دسته اول راست دسته خود قسم کیسل کاهی خود

دست برابر کپیتها

و سایر دستها به چپ دستها آمده و کیسل خیلی سر دسته بخط مشغول قدم رفتن

دسته گیرند و با یکدیگر درست محاذی شوند و اچودان باید آنها را بخط محاذی نظام دهد بعد از آن

فرمانده بطالیان فرمان زود مارش دهد بغیر از دسته اول همه دستها حرکت کرده به پیش روی

خود روند فرمانده دسته دوم در جای خود ایستاده دسته بگذرد همینکه آخر دسته رسید فرمان هالت

و فرنت داده بخط مشغول آید و به راست نظام دهد بعد از نظام دادن دسته فرمان نظر به پیش دهد

و فرمانده دسته سیم همینکه دسته دوم ایستاد او نیز بایستد تا دسته بگذرد همینکه آخر دسته

نظر به پیش

رسید فرمان هالت و فرنت و پیش داده به قدم بخط مشغول آید فرمان هالت داده

گذشته عمل نماید و دستهای دیگر نیز به طریق عمل نمایند همینکه مشغول دسته تمام شد فرمانده بطالیان

فرمان نماید کل جای خود دهد نفران تمام کل دستها برگردند جای خود روند

در بیان جمعیت در برگردن و آمدن که ... قدید

بیاموزند در جمیع قواعد نظام برگردیدن طریق قرار داده انجا که

در باب اول در ... نوشته شده است که باید هر یک از اقسام جداگانه مشق داد

عمده آنست که سرباز جدید چاشنی ریختن به چخماق و تفنگ و آتش بلوکه و دسته زدن [illegible] نیک یاد گیرند

پس از آنکه سربازان این سه چیز را بخوبی آموخته شد که عمده و اصل همانست [illegible]

آنوقت تعلیم ایشان زود ... می توان مشق نمود و حرکت را بدرستی بعمل آورد باید دانست که

سربازان یک فوج در آتش قطار اگر مراعات ... در برابری حرکت نمایند خلاف ... زیرا که در

این صورت باید ... تر از دیگری است در پر کردن ... خطر ... سربازان دیگر

پس بدیهی است که در جنگ هر کس تفنگ خود را زودتر پر کند زودتر می اندازد و این

در جنگ [illegible] مقصود است و اگر در میدان مشق ... در برابری حرکت منظور شود

خطای محض و از راه صواب دور است زیرا که در میدان مشق پس از آنکه سربازان عادت نمایند

در برابری حرکت کردن ... حرکت ... چابکتر باشد دیگران برابر خواهند بود و در میدان جنگ

نیز بمقتضای عادت حرکت خواهند کرد و این محض خلاف بلکه محل خطرات است در آتش پس از

آموختن

آموختن آداب پر کردن تفنگ باید آداب انداختن تفنگ آموخت که آن بر دو قسم است

یکی آتش جمع است که متعلق به ... و دیگری آتش فرد و آنچه از آنکه

عبارت از آتش قطار است آتش جمع که ... عبارت از آتش ...

[illegible] کمال دقت ... آتش را داد که ...

تشکیل ... از آتش ها مثلا آتش ... باید فرمان داد ...

مرکز ... از افواج متعدده ... متعدد شده ...

طاق شروع به آتش ... میکنند و فوجهای جفت ... فوجهای طاق ...

شروع به آتش ... در این صورت ... موازنه و مقابله فوجهای طاق

با فوجهای جفت آتش ... میشود ... آتش ...

[illegible] تیراندازی موقوف شود ... طبل ... علامت ...

باید فرمان ... که ... تفنگ ... عدم تیراندازی ...

زیرا که در جنگ باید سرکرده‌ها سرباز خاطر نشان باشند آتش خوب نیز فایده دور است

باید موازنه آتش نمایند مثلاً جانب راست بطالیان شروع به آتش می‌کنند و جانب چپ بطالیان

تا فوجهای جانب راست پر نشود پا شروع به آتش کنند آتش کردن دسته‌ها تیر ... دسته‌ها

باید گروه‌ها نه با دسته‌ها راست شروع به آتش نمایند تا فوج ایشان پر شود دسته‌ها

و با گروه‌ها نه جانب چپ باید شروع نمایند و این قسم آتش که عبارت از آتش جمیع است اگرچه در نظر

مردم جلوه آن بیشتر است و بهتر می‌شمارند زیرا که صدای آتش جمعی با صدای یک آن فوج

نمایان لیکن به تجربه محقق شده است که در جنگ هیچ وقت این برابری و اتحاد آتش منظور نمی‌شود

و چندان بکار نمی‌خورد اگرچه در بعضی مواد لازم است و لیکن صدای توپ و غرش ... جلو

و نیز ... در جمله ... لشکریان و اضطراب جنگ در آن ... معامله ... ممکن

که سربازان هوش و حواسی داشته باشند تا مراعات ... آتش نمایند و اگر ...

اینها را مراعات نمایند ضرورت کلی ... بکار نمی‌خورد بلکه در تیراندازی باید فرمان ... کنند

کشته و زخم‌داران و شکست کمتر می‌شود زیرا که سربازان که چابک‌تر بند باید عبارات دیگران را کنند

معطل نمایند آتش قطار بهتر و در جنگ معقول‌تر است و اما بپایان می‌گویند که در جمیع اقسام

آتش و تیراندازی در جنگ منتهی و متبدل به آتش قطار می‌شود زیرا که در مقام جنگ اگر هر

فوجی آتش بطالیان و گروهان‌ها و دسته‌ها و غیره را در میان جنگ چند کره ذکر شد

آتش برابر نخواهد شد و در حقیقت همه آتش قطاری می‌شود اما در آتش قطار سربازان بطور دلخواه

تیراندازی نمایند و بهتر نشانه می‌کنند و به سهم دلی می‌اندازند و با اینکه چابک‌تر باشند زیاده ... تر

می‌اندازند و کمتر تیر بیهوده می‌رود و تیرها کارگر می‌شود لیکن باید سربازان به آن عادت بدهند

که در جنگ ... خواه با بطالیان باشد و خواه با فوج ... نگذارند جلو سرکرده بدون ... آتش کنند

در بیان علامات و قواعد چندی در خصوص ملاحظه و سمت ... و نگاه ... دشمنان

فاصله در هنگام حرکت ... امور منظم و اهم است که حال ... در اینجا باید ...

خواه گروهان باشد و خواه دسته اگر فاصله را در اول قرار داده ... در هنگام حرکت ...

ملاحظه کند در حالتی که از دشمن حمله کاهی و دهی بنائی و سرعت میتواند ستون آن بسته
مقابله در دو دل حمله بپردازند پس بطالیان در حالت مرش خواه با قطار باشد و خواه با ستون
باید بعد مسافت خط ستون و فاصله دارند مثلاً یک بطالیان در حالت ستون اگر قدر
زمین را فرا گرفته باشد در حالت ستون با قطار نیز همان فاصله را ملاحظه نموده فاصله بگیرند
تا اگر خواهند ستون بندند یک قطار و یک حرکت با نظام تمام صف آرا شود برخلاف
این اگر فاصله زیاده از طول خط ستون باشد اگر قران ده نخواهد بطالیان از حالت
ستون با قطار حالت ستون از هم بگسلد سر ستون نقطه معلمه رسیده باید قران باید
و آخر ستون هنوز بنقطه که باید برسد نرسیده باشد که تصحیح خطا تقدیر باید معطل
تا همه بطالیان بهم متصل شود اگر در آن حال حمله غفلتاً از دشمن رسد فوج شکسته از هم متفرق
خواهد شد و اگر فاصله کمتر باشد خطر دارد که در کمتر مثلاً در حالت مرش ستون
اگر فاصله کم باشد نخواهند ستون بندند اگر [illegible] همه دسته باید کرد با فاصله باشد

۱۲۰

خیلی لغزی در عقب صف میآید که وجود بهانا [illegible] بجهه حمله و پرستاری [illegible]
جای کشکان ضرور خواهد بود ولیکن برخلاف این در حالت مرش با قطار خط و حفظ فاصله حقیقی
کمال ضرورت را دارد بلکه اگر اندک زیادتر باشد عیب ندارد و لیکن بهیچ وجه کمتر [illegible]
دشمن باشد بطوری که پشت آن اسب باز سینه آن دیگری متصل شود چون فرمان [illegible]
دو فرمت دهند یا خارا اگر یکی از سربازان از صف بیرون خواهد هیچ وقت [illegible]
نخواهد داد قاعده کلیه در خصوص سمت نظام جابات که اگر ستون دست راست پیش شده
باشد که عبارت از ستونی است که دسته اول آن پیش باشد نظام ستون از دست راست را
سمت نظام گویند و اگر ستون دست چپ پیش شده باشد که عبارت از ستونی است
که دسته آخر آن پیش باشد نظام ستون از دست چپ را سمت نظام گویند و دلیل آن
این است که چون ستون دست راست پیش باشد و نخواهند ستون بندند باید بفرمان
دو گردن بجانب ستوان باشد لهذا باید نظام از آن جانب باشد تا در حالت ستون نظام صف [illegible]

نظام از که از سمت داده شود
[illegible] در آن در پیش [illegible] نظام [illegible]
[illegible] در پیش [illegible] نظام [illegible]

و درست و راست و چپ پس از حرف هلا این اگر بخواهند شیپور بزنند باید قراولان جهت راست

شیپوران باشند نهد باید نظام از ... راست باشد تا در حالت شیپوران نظام صف ... راست باشد

حرکت پنجم

اگر بخواهند شیپور شبدی قوت چپ برود راست چپ عقب قراولان ایستاده شوند باید اول

بجنب برود چپ دوم هر دسته نیم بجنب گردد نیم رو گوش چهارم پیش قراولان دوم سر دسته‌ها بمرکز

دسته خود در خبر ... که باید نیم بجنب گردد و گردد در سر دسته خبر از دسته خود را بجنب گردد تا ... شد

بطوری که بخط صف شیپوران عمود باشد خود را در دو تمام شود از راست و چپ ان دسته رو

بجنب قرار دهد و سر دسته وسته خبر از دسته خود را روی دو ... از جنب نظام دهد ... قراولان

نیم سر دسته آمده نیم بجنب گردد حرکت کنند ... قراولان چپ ... رو به پیش ... را داده و بند

بطوری که چپ هر دسته بار راست دسته پیش از خود حمادی باشد همچنان که چپ دسته هم

حمادی است دسته شد در بار و راست پیش دهد و کیل است که شیپوران

رفته

رفته ... دسته کرده همینطور که دو کیل است داخل صف شیپوران شد سر دسته ... آمده

نظام از جنب دهد و بر دسته‌ها بطریق قراول باشند همینطور که مانده از نظام ... خبر ...

قراولان تمام شد بجای خود دهند ... قراولان خط که در چپ شده نمودند از پیش دو ... از ...

در حالت مشق با بیرون ملاحظه خط و خط فاصله میان دسته‌ها یا گروه‌ها تعهد نمایند و کلیه‌ی

سمت تطابق کیس سطح‌ها نیز باید قرب اشیاء ملاحظه خط و خط فاصله مفتوح یا فوج در یک

و جهت فرمانده فوج بسیم باید قرب آنها باشد و کل دسته‌ها و جمیع صاحب‌منصبان برای اینکه اجتماع که عبارت

از هر جهات فاصله باشد و سایر حرکات از حرکات غیره باید در مشق ترتیب قبیله و کلالی

در کار دسته‌جات میل شوی اما مستعد باشند لهذا عموم صاحب‌منصبان از دلیل کرفته

تا ابتر مشکل بنیانی دیگر باید همیشه مشغول مذاکره و مشق باشند تا جمیع حرکات و کلمات را

بلکه مانند بکار مسلط شوند چون وسایل صاحب‌منصبان لشکر در مشق دارند از نظام و حرکات آگاه باشند

اگر هم سربازان جدید باشند در کمال خوبی درست بهر نحو که بخواهند آنها را تعلیم کنند

حرکت داده و در هنگام جنگ مرات چنین سربازان از سربازان که در مشق قدیم باشند

و صاحب‌منصبان انبان‌ها دان و کم کار باشند بهتر در آیند نزد در حالت مشق علاوه در

فاصله

فاصله ملاحظه خط و خط سمت نظام را نیز باید کرد که اگر ملاحظه خط سمت در هر جمیع حرکات نقطه باید

با طالیان را با نقطه رسانید معین شود تا عمل و حرکه که مقصود است بدرستی حاصل شود پس اگر

در حرکت افواج در حالت مشق شیپور ملاحظه خط و خط سمت و خط مستقیم را نکنند

و خط بدور و دراز شده منحرف شوند نقطه که مقصود بود حاصل نشود و شمر یکی از آن نقطه

فاصل نمیشود بلکه موجب حصول مرام دشمن میگردد و همچنین در حالت مشق با توپ اگر ملاحظه خط سمت

و خط مستقیم را نکنند و هر فوجی از سمت و خط مستقیم خود منحرف شوند به هیات که از خط

محاذی صف خارج خواهند شد پس موجب بی‌نظمی میشود که علاوه بر اینکه حاصل نشد از سطر

ابدا حاصل نخواهد شد بنابراین باید دقت شود که ملاحظه خط سمت و خط مستقیم را بکنند و حمله سربازان

و نتیجه بر عکس می‌بخشد زیرا که چون ملاحظه خط سمت را نکنند معلوم است که افواج دور از هم هستند

و مملکت و نظام نقطه که باید در آن نقطه حمله نمایند نخواهند رسید پس در اینکه باید دلالت

صف آرائی و مقابله و مشغول لشکر در مشق را میسر نخواهد شد

در بیان چه حسابهائی است در خصوص حرکات در کار نظام داده

باید دقیق و زود بین باشند تا اگر جزئی سهو و خطائی در حرکت اتفاق افتد در همان ساعت بتصحیح آن

پردازد زیرا که اگر خطا آن خطا جزئی باشد و فرم حرکت تمام آن بسبب سهو و خطائی

بزرگ در حرکت میشود بطوریکه مقصودی که از آن حرکت است حاصل نمیشود صاحب منصبان حرکات را باید

که درست و موافق قاعده باشد از قراریست که ذکر میشود اول سرعت زیرا که در هنگام حرکت

سربازان یکنوع اضطرابی حاصل میشود پس باید بقدر مقدور سربازان را از آن اضطراب بیرون آورد

و آن نیز بسبب سرعت حرکت است همینکه حرکت باعجله مردم اضطراب سربازان میشود دوم

سهولت بطوریکه صاحب منصبان باید این حرکت را بدون فکر زیاد بخواص معمول دارند و همینکه

حرکت مشکل شد باید احساس عمل میشود که همان احساس موجب بی نظمی سربازان میگردد و سهولتی

که گفته شد بر یک حرکت نیز مشتمل است زیرا که کار چون ساده شد البته سهل و آسان میشود سیم

تیقن بطوریکه اگر در اثنای حرکت حمله ناگهانی از دشمن برسد سربازان مطمئن باشند که [illegible]

آن روز

آن حرکت میتوانند بزودی کمالی درآیند که بحمله دشمن [illegible] در مقابله نمایند چهارم تعیین یعنی

حرکت باید بواسطه نقاط معلومه معین و محدود باشد که همان نقاط معلومه بدون تغییر نماید در آن

حرکت و خط و سمت و جهت انجام اختصار و دوام صحیح بودن فرمایش زیرا که در حرکت بیخبر

حرکت موقوف بقرار است حرکت دقیق خوب و مرغوب میباشد که در حرکت مقابله باشند

مراد از این آنست که در حرکت پیش رو نظر لشکر خود را آینه دهند تا از پس نشستن [illegible]

زیرا که چون سربازان به پیش حرکت میکنند دلیری میشوند و از مقابله دشمن عکس حرکت جلو نمیکنند

برخلاف این چون بعقب حرکت میدهند اکثر اوقات کاهش قوه قلب سربازان میشود و باید

که موجب هزیمت لشکر میگردد در اینباب باید کمال دقت در میدان مشق نمود که

نمونه میدان جنگ است پس باید در کمال درستی تقلید و تصور او کرد برای [illegible] گرداند

که حرکت میدان جنگ باید گلولههای توپ و تفنگ را دیده و آماده [illegible]

شنید که با جنگ آنان اهم داد را میخرامند مهم تنها یک خواندن تحصیل حرکات است

بلکه باید خوب بعمل آورد و دیگرهای عمل نمود و این نیز بواسطه مشق دائمی دست میدهد که بواسطه
آن مشق تحصیل استعداد و تجربه و تسلط میتوان نمود که در عمل و حرکت رفع شک و شبهه را
نماید و اطمینان شود که بی آن استعداد و تجربه نیز از آن بر اطمینانی بر حرکت خود نداشته باشند
پس لازم است که سربازان قشون را پیوسته بمشق بازدارند خواه قدیم باشند و خواه جدید
بدیهی است که قشونی هر حرکتی را که زیادتر مشق کرده باشد بهتر و زودتر بعمل می آورد و بجهت حسن
حرکت دسته بسرعت و درستی آن است و آن نیز میسر نمیشود مگر با مشق زیاد و عادت کردن
متشکی و دو دل بودن سپاهی که نخواهد کاری یا حرکتی بکنند و از عمل خود مطمئن نباشند
مایه بی اعتدالی و اغتشاش عام میشود بلکه موجب ترس و هراس گردد و لغو و فکر میگردد پس باید
قشون را پیوسته بمشق بازداشت چه در ایام و چه در بهار بلکه در فصلی هم که از جنگ
کلیه فراغت یا مردم دیگری بخیک می آید مشغول بودن قشون بمشق موجب رفع بعضی از عادات
و بی اعتدالیها میشود که مایه پیشکاری سپاهی و بیکاره از اینگونه کارهای ایشان
بکار بکلی کنند

بکار سختی رسیدن ثانی است در مشق دائمی قشون باید ملاحظه این جزئیات را که بوجود
نامعین جنس منجر بحرکت نیست لازم است که ملاحظه جزئیات را در حرکت سهل شمردن و بسخت
گرفتن بهتر است و بهتر است که جزهای زیادی مصر قرار کنند نموده در تعلیم جزهای لازم و ضرور
کوشند و این نیز بواسطه ترک نمودن جزها که محض برای تماشا باشد و ثمری ندارد دست میدهد
که در حقیقت غیر از بیهوده خسته کردن سپاه ثمری ندارد لازم است که سربازان را در زمینی
ناهموار نیز مشق بدهند زیرا که همه وقت زمین هموار نیابند پس باید میدان آن مشق
شبیه بمیدان جنگ باشد در این صورت باز در حق کسانی که بیان نمیخواهیم بگوییم آنچه که گفتم در حق
در حق لشکر قدیم ایران گفته است و کلام او این است مشق ایشان جنگ بی خون و جنگ
آن را خستگی میتوان گفت که در دل خوف برسی باشد و جنگ ایشان که مشق آلان
شبیه که آن را مشق خون آلود میتوان گفت پس مشق را چنانکه گفته شد باید در زمین ناهموار
کرد تا مانند اوقات جنگ باشد و هرکس کار خود در ایام جنگ کند که گویا در مقابل دشمن است

[illegible]

درس ششم در بیان صف آرائی تمام سپاهیان برای هوشیاری و تحقیق خیال جوانانی
که از امور و علوم نظامی خبر و آگاهی دارند باید صف آرائی تمام فوج را با ایشان آموخت
اولاً پیش از آن خط مستقیمی که سپاهیان بر آن خط باید نظام گیرند باید مشخص نمود پس از تشخص آن
چند دانه چوبهای قراولان باید بسرق(؟) نمایند که آن کل صف سپاهیان باید بدانند(؟)
کل که علامات از دو کپیتان حاملان بیرقهای راست و چپ باشند و چند قدم پیش
میسره و میمنه فاصله چند قدم در پیش روی مرکز نمایان کل سپاه در محاذی بیرق
پیش روی دسته راست و چپ سپاهیان وانمایند(؟) که علامات از بیرق نماینده
راست و چپ باشند و در خطی که خط اتصال مشتمل بر آنکه سپاهیان باشند روی آن نقطه
دست راست باشند یعنی بر راست راست کرده باشند و در خطی که در آن خط اتصال مشتمل افواج
منعقد ده باشند نمایند که آن افواج باید رو به سپاهیان محاذی و مقابل آن نقطه ایستاده باشند صحیح
بنا بر عمل حرکت در حرکت افواج موقوف بهر فوجی که باشد در حرکت فوج موقوف
[illegible]

بهر دسته که باشد آن فوج و دسته را چپاول(؟) نشینند زیرا که رسای(؟) عمل حرکت دسته به اینها است
پس از آنکه این دسته‌ها شش قدم پیش رفتند فرمانده فوج باید ایشان را بر پای کل خط مستقیم
نظام دهد و چون از نظام آن خط مستقیم مشخص شد قراولان باید [illegible] انفصال
و کپیتانهای راست دسته‌های جانب راست و کپیتانهای چپ دسته‌های جانب چپ پیش رفته بر آن
خط باشند بطوریکه روبروی(؟) یعنی مرکز فوج سپاهیان کرده باشند قراولان و کپیتانهای
جانب راست بجانب چپ و کپیتانهای جانب چپ بجانب راست رو کرده باشند و باید چنان باشند
که کپیتانهای جانب راست سپاهیان در محاذی دست راست دسته‌های خود و کپیتانهای خود
و کپیتانهای جانب چپ سپاهیان در محاذی دست چپ دسته‌های خود ایستاده باشند و چون
باید کپیتانهای جانب راست سپاهیان که در میان پیش قراولان(؟) و نماینده همیشه ایستاده اند دو نقطه
که علامات از بیرق نماینده همیشه با نظام دهد که محاذی برابر دو کپیتانهای [illegible] باید
جانب چپ سپاهیان را دو نقطه دیگر که علامات از بیرق نماینده‌اند باشند محاذی برداره

بر خط مستقیم نظام دهد چون نظام تمام گردید باید جانب راست پیادگان چپ نظام گیرند

پس باید سلطانهای دستهها از جانب راست بدست چپ دستهها رفته از چپ نظام دهند و سلطانهای

جانب چپ پیادگان از راست دستهها براست نظام دهند پس آنگه فرمانده پیادگان فارغ از اینها

این قسم شد نمایندگان که خط مستقیم نظام داخلی فرمان دهد مرکز نظام نقرهها

دوم پیادگان به پیش میروند دو سه قدم بخط صف مانده تقدم کوچک و کوتاه باید پیش رفته

نظام گیرند زیرا که اگر بهمین قسم بیعی زدند با میشود که از خط صف منفک گردند باید که همه

نظام باز تعقب زدند و این پایه قوت ضعف و کراهت نمایش میشود و هر سلطان باید دسته خود را

با آن خط مستقیم نظام دهد همینکه فارغ از نظام دادن شد فرمانده فرمان نظر به پیش دهد

پس آنگه تا پیادگان درست نظام گرفت فرمانده چپ پس فرمانها دهد پیادگان کل بجای

خود به ایفای پشت و نمایندگان کل و سایر نمایندگان بجای خود میایستند و سلطانهای دستهها میرسند

راست نیز که به نظام دادن دستهها بدست چپ دستهها رفته بودند از تعاقب صف بجای خود

اگر

اگر صف مشتمل بر افواج متعدده باشد فرمانده هر فوج باید فرمان نمایش بجای خود دهد

پس چون نمایندگان کل باید بجای خود بروند مگر نوبان فرمانده کل که فرمانها دهد

حرکت ششم

افواج نیز باید همان فرمانها را مکرر نمایند درس دهم خیال تصور کنیم که فوج نشیمن آن دسته

و نمیخواهند تبدیل فرونت بر است بدست راست کنند خیلی فرمان دهند اول تبدیل فرونت

بر است بدست راست دوم هر دسته نیم بر است کرد سیم زود مرش چهارم به پیش نوبانها دوم

هر سلطان وسط دسته خود رود و سلطان دسته اول دسته خود را بر است کرد نمایان بطوریکه

بخط صف نشیمن عمود باشد چون دو پایه از دست راست دست چپ آن دسته قرار دهد

نوبان سیم هر دسته بکر یع راست کرده نوبان چهارم روبروش که نشته راه روند دو کس است

هر دسته روبطول چپ دسته پیش خود حرکت کنند همینکه دست راست دسته دوم بمحاذی

چپ دسته اول رسیده سردسته فرمان بازو چپ پیش دهد و در سه قدمی صف نشیمن آن

فرمان ایست داده بعد از آنکه وکیل دست چپ همان دسته آمده بر است نظام دهد در بهلوی قرار

حرکت هفتم

تمام سر دسته و دسته خود را قدم بطرف شتیوال ها بده فرمان ها آن دهند که بهمین ترکیب

چپ آن دسته بطرف فوش از راست نظام دهد و پیش گویند بهمین نسق نظام گرفت فرمانده فرمان

نمایند و بجای خود بایستد اگر بخواهند پیدا فرمودن ترکیب از عقب صف شتیوال

رو دست راست کنند خیلی فرمان دهند اول تبدیل فرمودن ترکیب از راست دو دم پایان گرد

نیم هر دسته نیم ترکیب گردد چهارم رو گردش پنجم پس ششم پایان از راست گردد بعد از آن نیم

دسته اول ترکیب گردد همین که بخط عمودی رسید سر دسته فرمان های دهد جودان دو نماید

از دست راست و چپ آن دسته رو براست قرار دهد و سر دسته دسته اول از راست جود

رفته از راست نظام دهد و سلطان هر دسته بوسط دسته خود جز خود باید

نیم پیچ گشت بعد آن چهارم همه دسته ها چپ گردند بعد آن پنجم پس دو سر دسته

سه قدم از صف شتیوال گذشته رو دسته خود فرمان های فرمایند و تمامی

چپ بطرف شتیوال همه دسته ها رخطها نهایت سطر از راست نظام گیرد آن

زمانده

حرکت هشتم

فرمانده فرمان نمایند و بجای خود بپا بعد از آن عقب گذشته هر کس بجای خود رود

چنان تصور کنیم که فوج ستون باز دست راست پس دسته و فرمانده بخواهد رو بعقب شتیوال

بند و خیلی فرمان دهد اول سر دسته اول بعقب شتیوال دوم از راست بعد از آن

هر دسته دسته اول پیش دسته خود آمده فرمان دهد دسته اول راست ترکیب مختلف

رو دوم گردش ها آن فرمودن بهمین نسق دسته ایستاده جودان از دست راست و چپ

رو براست قرار دهد و خود سر دسته براست دسته آمده نظام از راست دهد و بهمین نسق تا آخر

دسته مطلق شده نظر پیش که بعد از آن دوم سر دسته براست گرده سر دسته ها خود قدم

وکیل چپ سر دسته تشیوال قدم فاصله دسته گرفته و جودان زمانه های دسته

اول انها نظام دهد بعد از آن سیم هر دسته رو بوکیل خود راه روند بهمین که دو قدم از وکیل

چپ خود گذشت قطار ترکیب گرده متوازی نصف شتیوال راه روند بهمین که قطار چپ پیش کرده

دسته پیش خود رسید سر دسته فرمان های فرو رفت داده نظام از راست گرد نظر

در جای خود قرار گیرد و همین مسئله همه دسته‌ها با صف شنیوان آیند فرمانده فرمان بدهد

حرکت نهم

بجای خود هر دسته با نفرات تمامی که خود جدال نخورد کنیم که فوج شنیوان دسته

و میخواهند تبدیل فرونت راست دسته پنجم پنجه‌بند فرمان دهند اول تبدیل فرونت

بر دسته پنجم دوم جانب راست طرف راست کرده هر دسته نیم راست کرده چهارم بر دوش نیم

نفرات اول جدال دو نما سخط عمودی در صف شنیوان بجهة رو برو ... دیگر

پیش و لیکن باز صف اول دست راست دسته پنجم باشد و دیگری نقاط پنجم روبروی

ماینده و سلطان دسته پنجم بعد از نقش نماید فرمان راست کرده داده دسته خود ...

نظام یکی دسته نفرهای دوم جانب راست طرف راست کرده کند نفرهای نیم ... سلطان ... کرده

خود در جبهه خبر دهد که باید راست گشت سلطانی جانب راست که در پشت صف اول که

در طرف راست کرد صف دوم در مرکز دسته خود ایستاده هر عقب خود ... دسته خود با

نفرات چهارم دسته نیم راست کرده نفرهای پنجم پیش دسته همین مسئله بمکانی معلوم خود در

با دسته ...

بار دیگر چپ کرده بصف شنیوان رود و دسته‌ها جانب راست شده قدم از شنیوان بدهند گذشته

فرمانات و گردش دهد جدال و دسته‌ها جانب راست از خط قرار دهد

بر نظام گذشته دسته‌های جانب چپ شده قدم بصف باز ده باکت کنند کسی ...

جانب چپ از خط صف ... قرار داده دسته‌ها را بنظام کنند همین مسئله ...

نظام گرفت فرمانده فرمان آینده بجای خود هر دسته با نفرات تمامی خود ... جانب راست

که در دست چپ دسته بود از پیش صف گذشته از پشت صف بجای خود زند

حرکت دهم

اگر بخواهند ستون حفت ... دسته عقب مرکز بیان ... فرمان دهند اول

عقب مرکز بیان باز دوم بیان مرکز دسته نیم رو در پس نفرات اول سلطان هر دسته

خود رفته سلطانی جانب راست خبر دهند که باید چپ کرد و سلطانی جانب چپ خبر دهد

که باید راست کرد فرمانده گردان مرکز مرکز گردان ... دسته کرده‌ها مرکز

خبر دهد که باید حرکت کند نفرهای دوم دسته‌های مرکز حرکت نکنند جانب ...

کرده سر دسته‌ها به قطارها رفته فاصله پس میل عقب بنمود و کسهای راست جانب راست و کسهای
چپ جانب چپ از عقب دسته‌های گرد از جنب فاصله دسته برگرد خود دال و کسهای راست رو به دل گردیده است
دسته راست مرکز نظام و کسهای کسهای چپ رو به چپ دسته چپ مرکز نظام نظر از هم کم کرده است هر یک پس از
هم دسته‌ها که الحال دو دسته چهارم و هفتم اول قطار و دو قطار را رو به همینطور کسهای خود را رسانند
دو دسته که شش چهارم قطار راست هشتم قطار چپ رو به هم راه روند با دو دسته پنجم و ششم که …
گروههای ششگانه فوق الحالات درست کرده نظام راست کرده گویند هر سلطان که قابل است فرمایند گروهها
است دو دسته را از راست نظام و هر دو دسته پیش که هر مرکز گروهها رو و دو دسته‌ها منحرف رو به کسهای
خود رفته در حال استوار شوند الحال دو پیش عمل بنمایند و گروهها را از راست نظام دسته … خطی
حرکت یازدهم — عده کلیه این است که استوار صفت را همیشه نگاه … که دسته بندند اما اگر در مانده … بیان
بخواهد الحال که دیگر بند در پیش از وقت باید در آن خبر دهد حرکت قدم اگر بخواهند … استوار
باز صفت نشیمان بندند در مانده پیش از حرکت دو دو بار به راست چپ و راست گروهها هم گرد زود برود
…

چنین فرمان دهد اول هر مرکز بپایان پیش نشیمان درآورد و مرکز نفرهای دل از سلطان
مرکز از دسته خود رفته سلطانهای جانب راست به دسته‌ها خود خبر دهند که باید هم از این گشت
و سلطانهای جانب چپ خبر دهند که باید نیم تحت گشت سلطان گروهها مرکز خبر دهد
که نباید از جا حرکت کرد … مرکز دسته‌های جانب راست یک ربع راست گردند
و دسته‌های جانب چپ یک ربع چپ گردند پس از آن سلطان فرمان دهد پیش مرکز درآمد
دسته چهارم همینکه نیم راست گشت … که رو به راست دست پیش آمد دست
راست دسته پنجم … عمل … ارتفاع دست راست کل دسته دسته سلطانها از
پیش کرده پیش دو دسته قدم به نشیمان مانده حالت کنند پس از آن … دسته رفته
خود را به صف … کسهای گروهها را مرکز … پس از آن به نظام داده
همان جا به ایستند سلطانهای دیگر جانب راست هر یک … دسته چهارم گرده
نصف نشیمان … دسته … چنانکه نیم … جانب … دست راست دسته

محاذی دست چپ دسته ششم باشد همینکه بار اقطاع دست چپ آن دسته رسید بار دیگر پیش کرده

پیش رود و سه قدم نصف صفوف باقی مانده با آن دسته و دسته نصف صفوف دویم نظام [illegible]

مرکز کلیه سلطان دسته [illegible] از راست نظام [illegible] دسته‌های دیگر هر جانب چپ [illegible] حمل دسته [illegible]

نصف صفوف دوم [illegible] همینکه حرکت تمام رسید فرمانده فرمان ایستید کاری خود دهد [illegible]

خود [illegible] سلطان جانب راست که از دست چپ دسته‌ها بوده‌اند از پس صف [illegible] عقب صف

حرکت دوازدهم — جانب [illegible] که [illegible] چون [illegible] راست [illegible] حرکت کنند [illegible] اول

راست [illegible] چپ [illegible] دوم [illegible] اول [illegible] سلطان [illegible]

[illegible] راست [illegible] که باید راست [illegible] سلطان جانب چپ [illegible] که باید

از راست دسته‌ها [illegible] از راست [illegible] از راست [illegible] و دسته چپ دسته پنجم [illegible]

همه دسته [illegible] دوم جانب راست [illegible] و از راست [illegible]

دسته‌های جانب چپ [illegible] دسته ششم محاذی چپ دسته پنجم [illegible]

[illegible]